

جنجالی‌روز

۲۶ زخمی بر اثر واژگونی اتوبوس در سبزوار

واژگونی یک اتوبوس مسافربری در جاده سبزوار - شاهرود ۲۶ مصدوم برجای گذاشت.

عباس کافی، رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیر حوادث دانشگاه علوم پزشکی سبزوار درباره جزئیات این حادثه گفت: «این اتوبوس که صبح روز چهارشنبه از تهران به سمت مشهد در حرکت بود، به علت بارندگی و لغزندگی سطح جاده در کیلومتر ۶۰ جاده سبزوار به شاهرود دچار حادثه شد.

به محض اطلاع از این حادثه، تیم‌های امدادی و خودروی فرماندهی عملیات بحران دانشگاه علوم پزشکی سبزوار به همراه پنج دستگاه آمبولانس و اتوبوس آمبولانس به محل اعزام شدند. مجروحان این حادثه پس از ارائه خدمات اولیه درمانی، به وسیله پنج دستگاه آمبولانس و اتوبوس آمبولانس به بیمارستان امداد و سوانح شهید بهشتی سبزوار انتقال یافتند.»



نقل قول

کلاهبرداری تحت عنوان «کمک به آسیب دیدگان زلزله»

معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتای فراجا در خصوص ترفند کلاهبرداران سایبری با موضوع «جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای هموطنان زلزله‌زده» هشدار داد. سرهنگ «رامین پاشایی» ضمن همدردی با هموطنان زلزله‌زده شمال غرب کشور، در تشریح این خبر گفت: «متأسفانه شاهدین موضوع هستیم که مجرمان سایبری با سوءاستفاده از موقعیت ایجاد شده با تحریک اذعان عمومی و بعضاً سوءاستفاده از نام، اعتبار و شهرت افراد مشهور و نامی کشور، تحت عنوان «جمع‌آوری کمک‌های مردمی به منظور یاری رساندن به آسیب‌دیدگان زلزله اخیر در استان‌های شمال غربی کشور، به خصوص شهرستان خوی» از طعمه‌های خود کلاهبرداری می‌کنند.»

او با تأکید بر اینکه شهروندان به هیچ عنوان فریب این تبلیغات را نخورند، ادامه داد: «عموم مردم می‌توانند در صورت تمایل به اهدای کمک‌های نقدی یا غیرنقدی به مناطق آسیب‌دیده، صرفاً موضوع را از طریق سایت‌های رسمی و مراجع قانونی که مجوزهای لازم را دارند و نام و مشخصات و شماره حساب‌های آنها از طریق رسانه‌های ملی و خبرگزاری‌های معتبر اطلاع‌رسانی می‌شود، اقدام کنند. افراد کلاهبردار با سوءاستفاده از این حوادث، با جلب اعتماد مردم در فضای مجازی و دریافت مبالغی به عنوان کمک به زلزله‌زدگان، کاربران را به درگاه‌های جعلی بانکی (فیشینگ) هدایت و سپس اقدام به برداشت غیرمجاز از حساب طعمه‌های خود می‌کنند. با اعلام شماره حساب‌های شخصی متروک کلاهبرداری مالی از هموطنان هستند.» او با توجه به اینکه سوءاستفاده از نام و اعتبار افراد شناخته شده و نامی در این فرآیند محتمل است، به این افراد توصیه کرد، مراقب ترفند مجرمان سایبری باشند و در صورت تمایل به مشارکت در طرح‌های کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان حتماً با مؤسسات و سازمان‌هایی که دارای اعتبار و وجاهت قانونی هستند، همکاری کنند. معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتای فراجا ادامه داد: «افرادی که در این شرایط اقدام به انتشار مطالب کذب و شایعه برای تشویش اذهان عمومی کنند نیز تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. شهروندان در صورت مواجهه با هرگونه موارد مشکوک می‌توانند آن را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس WWW.Cyberpolice.ir بخش خدمات الکترونیک، لینک ثبت گزارش‌های مردمی یا مادر میان بگذارند یا با شماره ۰۹۶۲۸۰ مرکز فوریت‌های پلیس فتا جهت رسیدگی هر چه سریع‌تر ارتباط برقرار کنند.»

پرونده

سرکیسه کردن از ۳۰۰ نفر با وعده فروش خودرو

مرد جوان با شگرد فروش خودرو به قیمت کارخانه از ۳۰۰ نفر در تهران به ارزش ۵۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرد. با وقوع کلاهبرداری‌های متعدد از شهروندان با شگرد فروش خودرو به قیمت کارخانه، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. تحقیقات ابتدایی کارآگاهان نشان می‌داد، یک مرد جوان با شگرد فروش خودرو به قیمت کارخانه از ۳۰۰ نفر در تهران به ارزش ۵۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده و پس از اعمال مجرمانه متواری شده است. کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم، هویت متهم را شناسایی کردند و در ادامه موفق به ردیابی مخفیگاه او در جنوب تهران شدند. کارآگاهان پس از دریافت این اطلاعات متهم با هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی راهی مخفیگاه متهم شدند و او را در عملیاتی منسجم دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به اداره چهارم پلیس آگاهی ابتدا منکر جرم خود بود اما پس از ارائه شواهد و مدارک موجود لب به اعتراف گشود و به کلاهبرداری از ۳۰۰ نفر با شگرد فروش خودرو به قیمت تولید کارخانه اعتراف کرد.

صادرکننده عسل و ادویه کلاهبردار از آب درآمد!

زوجی که با تحت عنوان تاجر و صادرکننده عسل و ادویه اقدام به کلاهبرداری میلیاردی می‌کردند، در استان قم دستگیر شدند. سردار سیدمحمود میرفضی، فرمانده انتظامی استان قم در تشریح این خبر گفت: «در پی شکایت تعدادی از شهروندان از فردی که خود را تاجر و صادرکننده عسل و ادویه معرفی و به بهانه سرمایه‌گذاری در صادرات از مالباختگان مبلغ ۷۰ میلیارد ریال را با همکاری همسرش کلاهبرداری کرده بود، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی استان قرار گرفت. مأموران با انجام یک سری اقدامات فنی و تخصصی و پس از بررسی سرخ‌های موجود و اشراف اطلاعاتی، سرانجام متهم اصلی که در یکی از زندان‌های استان‌های مجاور قم به جرم آدم‌ربایی محبوس و دستگیر شده را شناسایی و در ادامه شکات این پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شدند.» فرمانده انتظامی استان قم در پایان با اشاره به تحویل پرونده متشکله به مراجع قضایی، افزود: «استان قم محل امنی برای مجرمان و فرصت‌طلبان نیست و پلیس با حضور فعال در سطح جامعه قاطعانه با اینگونه افراد برخورد خواهد کرد.»



گفت‌وگویی «شهروند» با زن جوانی که به همراه شوهر و پسر خردسالش زنان را هدف دزدی‌های خشن قرار می‌دادند

شکنجه قربانیان سرقت در مقابل چشم فرزند

✎ [سیمافراهانی] سرقت‌های سریالی‌اش، زنان را در شرایط هولناک و وحشتناکی قرار می‌داد؛ زنانی که به‌عنوان مسافر سوار خودروی ترسانگان این مرد می‌شدند. تبهکار سابقه‌داری که برای اجرای بهتر نقشه‌های خوفناکش، فرزند خردسال و همسرش را هم با خود همراه می‌کرد. او در مقابل چشم کودکان طعمه‌های خود را تا سرحد مرگ می‌زد. با چاقو به آنها حمله می‌کرد و پس از دقایقی طولانی و ترسناک در خودرو، با سرقت تمام اموال‌شان، آنها را در جایی خلوت همان‌طور زخمی رها می‌کرد. همه اینها در مقابل چشم کودک خردسال این مجرم تبهکار رخ می‌داد. تا اینکه یکی از طعمه‌ها وقتی به کما رفت، پس از بازگشت از دنیای مردگان، اسرار این سرقت‌های سریالی و وحشتناک را فاش کرد.

هوش آمد و سارقان را الوداد. او به پلیس گفت: «سارقان چند ضربه قمه به سرم زدند و مرا زخمی کردند. ضربه‌ای که به سرم زدند، باعث شد از هوش بروم. آنها مرا در خیابان رها کرده بودند. زنده ماندنم یک معجزه بود. چون بارها سطح هوشیاری‌ام پایین آمده بود.» این زن به پلیس گفت که برای چند ثانیه چهره راننده را دیده که ماسکش را از روی صورتش برداشته بود. برای همین چهره‌نگاری صورت گرفت و مجرم با سابقه شناسایی شد. او بارها به جرم زورگیری و سرقت روانه زندان شده، اما تمام پانوق‌هایش را خالی کرده بود. با این حال مأموران پلیس با همکاری یکی از دوستان این متهم، خانه او را شناسایی کردند. آنها وقتی وارد خانه شدند، با زن و کودک خردسال متهم مواجه شدند. ولی خود مجرم در خانه نبود. اما همسر و کودک همان زن و بچه‌ای بودند که در سرقت‌ها حضور داشتند. بنابراین زن جوان بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به زورگیری‌های سریالی با همدستی شوهرش و دوست و اعتراف کرد.

با تهدید شوهرم سارق شدم

این زن ۲۸ سال بیشتر ندارد. ادعای کند که با تهدید شوهرش تصمیم به انجام این سرقت‌ها گرفته است. او که تا به حال پایش به اداره پلیس باز نشده بود، در گفت‌وگو با «شهروند» ماجرای سرقت‌هایش را روایت کرد:

چرا با کودکتم به سرقت‌هایم رفتمی؟

شوهرم مرا تهدید کرد که در سرقت‌ها همراهش باشم. او دستور داد که پسرمان را هم با خودمان ببریم. از طرفی کسی نبود تا از بچه من مراقبت کند و نمی‌توانستم در خانه تنها پایش بگذارم.

فقط به خاطر تهدیدهای شوهرت سارق شدی؟

بله. شوهرم مرا تک‌دزد گفت اگر قبول نکنم مرا می‌کشد. به خاطر بصرم قبول کردم. چون شوهرم شیشه می‌کشد و گاهی اوقات توهم می‌زند. من هم از ترس جانم قبول کردم.

چرا از تو خواست همراهش شوی؟

اول شوهرم با دوستش به سرقت می‌رفتند. ولی انگار زنان و دختران از چهره آنها می‌ترسیدند، برای همین سوار خودرو نمی‌شدند. شوهرم از من خواست تا پسرمان همراه‌شان برویم تا کسی به آنها شک نکند و به راحتی دست به سرقت بزنند.

نمی‌ترسیدی که کسی در این سرقت‌ها کشته شود؟

من چاقو نمی‌زدم. دوست شوهرم چاقو داشت و طعمه‌ها را می‌زد.

در این سرقت‌های خشن، پسر و وحشت نمی‌کرد؟

پسرمان اغلب خواب بود. چون نیمه‌های شب، وقتی هوا تاریک بود، راهی سرقت می‌شدیم.

نقش تو در این سرقت‌ها چه بود؟

فقط در خودرو می‌نشستم تا شاکیان شک نکنند. بعد هم در جایی خلوت آنها را تک می‌زدم. بعد از دزدی هم گاهی اوقات شوهرم طلاها را به من می‌داد تا آنها را بفروشم.



سحر، مأموران پلیس با بررسی پرینت تماس‌های تلفن قربانیان متوجه شدند که آخرین تماس‌های دانیال با یکی از دوستان خود برقرار شده بود. دوست دانیال به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد و در همان بازجویی‌های اول به قتل اعتراف کرد. متهم اعتراف کرد: «هر سه جسد را در همان باغ دفن کردم. بعد برای اینکه ماشین دانیال در اطراف باغ من کشف نشود و کسی به من مظنون نشود، با بردارم تماس گرفتم و گفتم ماشین را سرقت کرده‌ام. ماشین را به محلی دیگر منتقل کردم و با بردارم لوازم ماشین را باز کردیم.» با اطلاعاتی که متهم از جنایت هولناک خود در اختیار مأموران قرار داد، اجساد قربانیان بیگانه در باغ گوجه‌سبز کشف شد و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

متهم در دادگاه سعی می‌کرد از پذیرش اتهام خود سر باز بزند و از حقیقت‌طفره رود. او در دفاعیات خود سناریوی جدیدی مطرح کرد و با دروغ‌پردازی گفت: «دانیال و همسرش قصد سرقت اموال را داشتند. من در حالت توهم ناشی از مصرف مواد مخدر بودم و برای دفاع از خودم آنها را از پای درآوردم.» اما او نتوانست

نخستین شاکي

چند وقت پیش بود که نخستین شاکي این پرونده، شکایت خود را مطرح کرد. او درباره سرقت خشنی که برایش رخ داده بود، به پلیس گفت: «از میدان آزادی به عنوان مسافر سوار یک خودروی برآید شدم. داخل خودرو مردی روی صندلی جلو نشسته بود. زن جوانی هم به همراه پسر خردسالش نشسته بود. من هم تصور می‌کردم همه آنها مسافر هستند، اما پس از طی مسافتی ناگهان زن جوان دستش را روی دهان من گذاشت و تک‌م زد. مردی که روی صندلی جلو نشسته بود هم به رویم چاقو کشید. آنها گفتند کیف و طلاهایم را بدهم. اول مقاومت کردم، چون طلائی کمی همراهم نبود. ولی بعد ناگهان آن مرد با چاقو به من ضربه زد. هم‌زمان زن جوان هم مرا با مشت ولگد کتک زد. برای همین از ترسم کیف و طلاهایم را تحویل زورگیران دادم. گردنم، گوشواره، دستبند و انگشترم سرقت شد. با این حال آنها دست بردار نبودند، مرا مقابل عابریانک بردند و با تهدید، رمز کارت‌م را گرفتند. بعد از اینکه حسابم را خالی کردند، در حالی که به شدت زخمی شده بودم در بیابان‌های اطراف تهران رهایم کردند. به سختی خودم را به کنار جاده رساندم و از رانندگان درخواست کمک کردم. از شدت ضربه‌هایی که به من زده بودند، چند روز در بیمارستان بستری بودم.»

شکنجه در مقابل کودک

با اعلام این شکایت، موضوع در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت و به دستور بازپرس شعبه هفتم دادرسی ویژه سرقت، تحقیقات برای شناسایی و بازداشت سارقان آغاز شد. در حالی که تجسس هادر این خصوص ادامه داشت، چندین شکایت مشابه نیز پیش روی کارآگاهان پلیس قرار گرفت. با بررسی اظهارات مالباختگان مشخص شد که دومرد به همراه یک زن جوان، زنان مسافر را طعمه سرقت‌های خشن و سریالی خود قرار می‌دادند. آنها قربانیان خود را تا حد مرگ کتک می‌زدند، زخمی می‌کردند و با چاقو و قمه به جان‌شان می‌افتادند و پس از دزدیدن پول، طلا و اموال با ارزش‌شان، آنها را نیمه‌جان در خیابان‌ها رها می‌کردند. نکته عجیب و تلخی که این ماجرا داشت، این بود که پس‌ریچه‌ای خردسال پای ثابت تمام این زورگیری‌ها بود. یعنی در زنان در مقابل چشم یک پس‌ریچه، تمام این خشونت‌ها را انجام داده و دست به سرقت‌های هولناک می‌زدند. مالباختگان نیز اکثر آنرا زن بودند. آنها معمولاً حوالی میدان آزادی سوار خودروی متهمان می‌شدند.

بازگشت به زندگی

سارقان در هیچ‌کدام از دزدی‌های خودشان به‌جا نمی‌گذاشتند. آنها روی صورت‌شان ماسک می‌زدند، پلاک خودرو را نیز مخدوش می‌کردند. برای همین مالباختگان نمی‌توانستند آنها را شناسایی کنند. تجسس‌ها و پیگیری‌های مأموران ادامه داشت تا اینکه یکی از شاکیان راز این سرقت‌های خشن را فاش کرد. او که قربانی سارقان شده بود، با ضربه‌های قمه، به کما رفته بود. یک ماه در کما بود، تا اینکه به

پایان پرونده بیتا در زندان رجایی شهر

[شهروند] ۴ سال پیش بود که بیتا روحی ۸ ساله به همراه پدر و نامادری‌اش در باغی در کلاته ورامین به صورت فجیعی به قتل رسیدند. در جریان رسیدگی به پرونده و طبق روال قانونی، متهم به سه بار قصاص محکوم شد که صبح چهارشنبه ۱۲ بهمن ماه در زندان رجایی شهر کرج به دار مجازات آویخته شد. بیتا روحی، دختر ۸ ساله‌ای است که دوسال و نیم قبل به قتل رسید. بیتا روحی در حالی به قتل رسید که همراه پدر و نامادری خود به‌عنوان میهمان به باغ دوست پدرش رفته بودند. دوست پدر بیتا روحی بعد از مصرف مخدر شیشه به دلیل توهم ناشی از مصرف مواد مخدر تصور کرد که پدر بیتا روحی، قصد آسیب زدن به او را دارد. به همین خاطر به پدر بیتا روحی حمله کرد و با ضربات چاقو او را به قتل رساند. قاتل برای اینکه راز جنایت هولناکش فاش نشود بعد از قتل پدر بیتا روحی، نامادری بیتا و سپس بیتا روحی را هم به قتل رساند. از دیه‌بشت سال ۹۸ رسیدگی به پرونده ناپدید شدن دختر ۸ ساله به نام بیتا و پدر و نامادری او با شکایت مادر بیتا روحی میز مأموران پلیس ورامین قرار گرفت. یک هفته بعد از گم شدن بیتا و دانیال و